

## باسمه تعالی

- ۲ ..... **مقدمه واجب**
- ۲ ..... **مقدمات مفوته**
- ۲ ..... مناقشه در حل مشکل مقدمات مفوته مرحوم آخوند
- ۳ ..... دخیل در ملاک بودن قیود غیر مقدور واجب
- ۳ ..... خلاف ظاهر دخالت در ملاک داشتن قیود غیر غیر مقدور واجب
- ۳ ..... تبعیت بین وجوب ذی المقدمه و مقدمه
- ۴ ..... تبعیت بین شوق به ذی المقدمه و شوق به مقدمه
- ۴ ..... عدم تبعیت بین ایجابین و شوقین
- ۴ ..... عدم وجوب مقدمات مفوته در صورت اخذ قدرت خاصه
- ۵ ..... وجوب تهییی مقدمات مفوته
- ۵ ..... وجوب بالغیر داشتن مقدمات مفوته
- ۶ ..... خلاف ارتکاز بودن وجوب بالغیر داشتن مقدمات مفوته

**موضوع:** مقدمات مفوته / واجب معلق / مقدمه واجب

### خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مورد مقدماتی بود که هنوز وجوب ذی المقدمه فعلی نشده است، اما مقدمه وجوب فعلی پیدا کرده بود، با این که قاعده تبعیت می گوید: تا زمانی که وجوب ذی المقدمه فعلی نشود، وجوب مقدمه فعلی نمی شود. صاحب فصول برای حل این مشکل به واجب معلق تشبث کرد. مرحوم آخوند فرمود نیازی به واجب معلق نداریم و با شرط متاخر آن را حل می کنیم. استاد فرمود: اگر بحث شرط متاخر هم مطرح شود، باز هم نیاز به واجب معلق داریم.

## مقدمه واجب

## مقدمات مفوته

### مناقشه در حل مشکل مقدمات مفوته مرحوم آخوند

مرحوم آخوند در مقام حل مشکل مقدمات مفوته فرمود: ذی المقدمه وجوب فعلی دارد ولی مشروط به شرط متاخر است. وقتی وجوب فعلی شد، مقدمات هم وجوب فعلی دارند و مشکل حل می شود و نیازی به راه حل واجب معلق (مدعای صاحب فصول) و نیز بیانی که به واجب معلق بر میگردد (واجب مشروط در کلام شیخ انصاری) نداریم.

مناقشه اول تمام شد. بحث در مورد مناقشه دوم بود. ما گفتیم امر قیود به دست ما نیست که بتوانیم هر قیدی را قید واجب حساب کنیم. قیدی که دخیل در اتصاف و اصل ملاک است، قید وجوب است چون وجوب ناشی از ملاک است. مانند استطاعت نسبت به وجوب حج. اما بعضی از قیود قید استیفاء ملاک است (به تعبیر شهید صدر دخیل در ترتب ملاک است). صاحب صاحب فصول با حفظ قید واجب بودن، می گوید وجوب فعلی است و قید، قید واجب در آینده است اما مرحوم آخوند قید، قید وجوب است.

به نظر ما حل مرحوم آخوند دارای اشکال است. خصوصا که ظاهر خطابات این است که قید، قید واجب است. مثلا **فمن شهد منكم الشهر فليصمه**<sup>۱</sup> ظهور در این مطلب دارد که وجوب صوم الان است و آمدن طلوع فجر که مقوم صوم است، قید واجب است. یا در باب حج گفته می شود که ظاهر **الله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا**<sup>۲</sup> این است که وجوب آمده است و موسم، قید واجب است و خلاف ظاهر است که موسم، قید وجوب باشد. لذا اولاً ادعای مرحوم آخوند خلاف ظاهر است و ثانياً ادعای ایشان نیاز به اثبات دارد. امر به دست ما نیست که هر قیدی که خواستیم قید وجوب قرار بدهیم. لذا نمی توان گفت که ما نیاز به واجب معلق نداریم. چون احراز نشده است که قید، قید وجوب باشد پس نمی توان گفت که ما نیازی به واجب معلق نداریم.

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۰۴.

۲ سوره بقره، آیه ۱۸۵.

۳ سوره آل عمران، آیه ۹۷.

## دخیل در ملاک بودن قیود غیر مقدور واجب

مرحوم خویی در محاضرات فرموده است: تمام قیودی که قید واجب در استقبال هستند همه قید وجوب هستند. مثلاً موسم که قید واجب است قید وجوب است و وجوب مشروط به شرط متاخر است. مثلاً طلوع فجر قید وجوب است به نحو شرط متاخر.

این که شارع مقدس این را با این که غیر مقدور است، قید واجب قرار داده است و ظاهر خطاب هم همین مطلب است، کاشف از این مطلب است که قید وجوب است و دخیل در ملاک است و الا معنا نداشت که آن را اخذ کند.

## خلاف ظاهر دخالت در ملاک داشتن قیود غیر مقدور واجب

ما ادعای مرحوم خویی را نتوانستیم بفهمیم. هر چند امکان دارد که یک چیزی هم قید واجب باشد و هم قید وجوب باشد. اما اینکه ایشان ادعا کرده است که چون غیر مقدور است کشف می شود که قید وجوب است. شاید قید واجب باشد و دخیل در ترتب ملاک باشد. بلکه ظاهر این که قیدی را قید واجب قرار داده است این است که دخیل در اصل ملاک نیست. ما باید ظاهر خطاب را بررسی کنیم. مثلاً ظاهر خطاب این است که دلوک شمس قید وجوب قرار داده شده است، معلوم می شود که دخیل در اصل ملاک است. اما طهارت که ظاهر خطاب این است که قید واجب است، دخیل در اصل ملاک نیست بلکه دخیل در ترتب ملاک است.

**نتیجه:** به نظر ما ادعای مرحوم خویی واضح البطلان است خصوصاً که در دراسات خلاف این مطلب را مطرح کرده اند.

## تبعیت بین وجوب ذی المقدمه و مقدمه

مطلب بعدی که مرحوم آخوند فرموده است<sup>۱</sup> این است که اگر در جایی یکی از مقدمات وجودیه، وجوب شرعی پیدا کرد، وجوب فعلی ذی المقدمه کشف می شود. اگر در شب ماه رمضان، دلیل آمد و گفت باید حائض غسل کند کشف می شد که وجوب ذی المقدمه فعلی است. چون وجوب مقدمه معلول وجوب ذی المقدمه است و از ثبوت معلول کشف آنی از ثبوت علت می کنیم.

به نظر ما این ادعا مبتنی بر قاعده تبعیت است که گفتیم تبعیت، دلیل ندارد.

<sup>۱</sup> محاضرات ج ۲ ص ۳۶۶

<sup>۲</sup> کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۰۵.

### تبعیت بین شوق به ذی المقدمه و شوق به مقدمه

مرحوم اصفهانی کشف را قبول نکرده است. ایشان فرموده است: ما تبعیت بین ایجابین را قبول نداریم. ممکن است ذی المقدمه ایجاب شرعی نداشته باشد ولی مقدمه ایجاب شرعی داشته باشد. (بحث در مورد ایجاب عقلی نیست.) چیزی که تلازم وجود دارد، بین شوقین است. وقتی شوق به ذی المقدمه دارد شوق به مقدمه هم دارد. چه بسا شوق به ذی المقدمه باعث می شود که به مقدمه شوق داشته باشد هر چند که هنوز وجوب ذی المقدمه فعلی نشده است (شوق به یک امر استقبالی اشکالی ندارد مثلاً از الان شوق به رفتن بهشت وجود دارد) این ادعا را مرحوم آخوند قبول دارد. ایشان سابقاً می گفت گاهی اوقات ایجاب مقدمه مانع ندارد ولی ایجاب ذی المقدمه مانع دارد و مقدمه وجوب فعلی دارد.

### عدم تبعیت بین ایجابین و شوقین

به نظر ما تبعیت بین شوقین هم وجود ندارد. ممکن است شارع شوقی به ذی المقدمه نداشته باشد، ولی شوق به مقدمه دارد. مثلاً الان به خوردن دارو هیچ شوق فعلی ندارد وقتی که مریض شد شوق پیدا می شود ولی مقدمه را واجب می کند و به عبد می گوید الان دارو بخور، چون بعداً تمکن از این کار نیست. پس مقدمه واجب شد و بالفعل شوقی به ذی المقدمه ندارد. این که مرحوم اصفهانی یک درجه از قاعده تبعیت تنزل کرده است خوب است اما این که گفته است تبعیت بین شوق به مقدمه و ذی المقدمه وجود دارد درست نیست. به نظر ما نیازی نیست که به ذی المقدمه هم شوق داشته باشد و مقدمه را واجب می کند. این یک امر عقلانی است که به ذی المقدمه شوق ندارد ولی الان مقدمه واجب است.

**نتیجه:** ما از وجوب اغتسال قبل از طلوع فجر نمی توانیم وجوب فعلی و شوق فعلی به ذی المقدمه را کشف کنیم.

### عدم وجوب مقدمات مفوته در صورت اخذ قدرت خاصه

مرحوم آخوند اشکالی بر خود وارد کرده است و جواب داده است. ایشان فرموده است: اگر وجوب مقدمه ای مانند وجوب اغتسال قبل از طلوع فجر کشف از وجوب ذی المقدمه کند، لازمه اش این است که جمیع مقدمات دیگر وجوب داشته باشند اما اگر مقدماتی هستند و مفوته نیستند، وجوب موسع دارند و اگر مفوته هستند وجوب مضیق دارند. بعد جواب داده است: قبول می کنیم که کشف از وجوب سائر مقدمات می شود. مگر این که قدرت نسبت به سائر مقدمات قدرت خاصه باشد. قدرت گاهی اوقات مطلقه است یعنی همین که عقلاً قادر بر اتیان فعل باشد باید انجام دهد و گاهی اوقات قدرت خاصه است. یعنی

۱. نهایت الدرایه فی شرح الکفایه، محمد حسین اصفهانی، ج ۲، ص ۸۹.

۲. کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۰۵.

از مکلف واجب را به شرط قدرت مطلقه نمی‌خواهد مثلاً مولا بگوید من این فعل استقبالی را واجب کردم اگر قدرت اتفاقاً محقق شد آن را انجام بده. از من این عمل را به مجرد قدرت بر امتثال نمی‌خواهد بلکه اگر قدرت اتفاقاً محقق شد، امتثالش را خواسته است. پس تحصیل سائر مقدمات واجب نیست. حال که مقدمات محقق نشد قدرت در آینده محقق نشده است و شرط منتفی شده است. چون فرض این است که اگر قدرت وجود داشت واجب باید امتثال بشود. در این صورت مقدمات وجوب پیدا نمی‌کند. مقدمات مفوته در جایی لزوم تحصیل دارد که قدرت مطلقه باشد اما اگر قدرت خاصه باشد لزوم ندارند. لذا مرحوم آخوند فرموده است: سائر مقدمات واجب می‌شوند ولی نسبت به سائر مقدمات اگر قدرت خاصه اخذ شده باشد، مقدمه مفوته واجب التحصیل نیست.

### وجوب تهیئی مقدمات مفوته

مرحوم آخوند فرموده است: اگر در یک موردی فرض شود که ذی المقدمه وجوب فعلی ندارد و با این حال مقدمه وجوب دارد، قائل به وجوب نفسی تهیئی آن می‌شویم. مرحوم نائینی فرموده است: این مطلب کلیت ندارد. مثلاً در حق صبی گفته می‌شود که قبل از بلوغ وجوب تهیئی تعلم دارد. یکی از مقدمات مفوته همین تعلم و معرفت است. در حق صبی ذی المقدمه وجوب ندارد چون رفع القلم شده است، نمی‌تواند مقدمه وجوب تهیئی نفسی دارد.

### وجوب بالغیر داشتن مقدمات مفوته

مرحوم خویی نیز شبیه همین مطلب مرحوم آخوند را گفته است. ایشان فرموده است: ما نیازی به واجب معلق نداریم زیرا با شرط متاخر یا وجوب بالغیر مشکل را حل می‌کنیم. وجوب مقدمی وجوب للغیر است. ما وجب لغیره. وضو برای غیر واجب است. ما می‌گوییم در این موارد که مقدمه وجوب دارد و ذی المقدمه واجب نشده است، وجوب غیری ندارند بلکه وجوب نفسی بالغیر دارند. مرحوم خویی همین تهیئی را می‌خواهد بیان کند. الان که غسل واجب شده است به خاطر صوم است و خودش ملاک مستقل ندارد ولی وجوب غیری هم نیست تا اشکال انحراف تبعیت وارد باشد. اشکالی ندارد که شارع این مقدمه را به خاطر غیر واجب کرده باشد. مشکل در وجوب للغیر است ولی در وجوب بالغیر اشکالی ندارد. یعنی وجوب از غسل نیامده است و از غسل وجوبش ترشح نکرده است ولی خودش وجوب مستقلی دارد اما چون به خاطر صوم است واجب شده

است. هر چند که ایشان در خصوص وجوب تعلم و معرفت بیان دیگری دارند ولی به صورت کلی ایشان مشکل را این گونه نیز حل می‌کند.

### خلاف ارتکاز بودن وجوب بالغیر داشتن مقدمات مفوته

به نظر ما این که این موارد وجوب نفسی داشته باشند که در حقیقت پاک کردن اشکال از ریشه است خلاف ارتکاز است. ظاهر این که گفته می‌شود: جنب قبل از طلوع فجر غسل کند، وجوب مستقلی نیست و مقدماتی که در شریعت وجوب آنها فعلی شده است، وجوب غیری دارند.